

هری پاتر، داستانی آخرالزمانی

سیدعلی کاشفی خوانساری

منتقدان ادبی، همگی، کم و بیش از این اتفاق اظہار شگفتی یا حتی ناخرسندی کرده‌اند. داستان‌های هری پاتر از منظرهای گوناگون، داستان‌های کم‌ارزشی شمرده می‌شود. نقدهای فراوانی نوشته شده که عناصر مختلف این داستان را که از سایر کتاب‌ها و داستان‌ها وام گرفته شده، برشمرده‌اند.

ضعف‌های تکنیکی داستان، توسط روزنامه‌نگاران بررسی و اشتباهات نویسنده در پیرنگ و ناهماهنگی جلد‌های مختلف با هم آشکار شده است. نویسندگان مشهور هم طبیعی است که از این کتاب انتقاد کرده باشند؛ چرا که نوشته کسی است که پیش از چاپ این کتاب، نه تنها کتابی ننوشته که هیچ قصه‌ای هم در مجلات به چاپ نرسانده است. البته، من شخصاً منکر برخی ارزش‌های داستانی هری پاتر نیستم؛ گرچه این توانایی‌ها به شکلی جوششی و فطری و حتی اتفاقی به دست آمده باشد. با این حال، یقین دارم نباید دلایل این موج جهانی و شهرت افسانه‌ای را تنها در تکنیک و زیبایی‌های اثر جست‌وجو کرد. با آن دیدگاه‌های بدبینانه هم که همه این توفیق را ناشی از همدستی رسانه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی می‌دانند، همداستان نیستم. در این نوشته کوتاه،

سلسله داستان‌های هری پاتر، پدیده و اتفاقی بزرگ و جهانی است. گرچه با سلطه رسانه‌ها و فراگیری تنش‌های روانی اجتماعی، در سال‌های اخیر، اقبال پیش‌بینی نشده و همگانی به پدیده‌های هنری، در موارد متنوع روی داده و روی می‌دهد (مثلاً شهرت و قدرت افسانه‌ای مایکل جکسون و فیلم تایتانیک و مواردی از این دست)، با این حال میزان و چگونگی اقبال به هری پاتر، هم‌چنان اتفاقی خاص و شگفت‌آور است. میزان فروش این کتاب، ترجمه سریع آن به ده‌ها زبان، ساخت فیلم، کارتون، بازی رایانه‌ای، اسباب‌بازی‌ها و ... همه خبر از یک اتفاق می‌دهد. فراموش نکنیم که هیچ داستان جدید ویژه کودکان، به مسئله‌ای جهانی تبدیل نشده بوده است. از افسانه‌های کهن که بگذریم، شاید مشهورترین داستان‌های کودکان که به عمومیت جهانی دست یافته‌اند، مسافر [شازده] کوچولو و یا جوجه اردک زشت باشند که باز در مقایسه با ابعاد اقتصادی و اجتماعی تأثیر هری پاتر، رنگ می‌بازند.

پرسش این است که علت این توفیق و اقبال جهانی چیست؟ هری پاتر، چه ویژگی‌هایی داشته که این رویکرد عظیم را به ارماغان آورده است؟

جاذب‌ترین آن‌ها پیشگویی‌ها بوده‌اند؛ از کتاب مکاشفات یوحنا گرفته تا نوشته‌های نوستراداموس، شاه نعمت‌الله ولی و دیگران.

شبهت‌هایی که سبب می‌شود هری پاتر را در ردیف داستان‌های آخرالزمانی طبقه‌بندی کنیم، از این قرارند:

۱. خطری بزرگ همه انسان‌ها را تهدید می‌کند.

۲. این خطر، تنها توسط عده معدودی شناخته و درک می‌شود.

۳. این انسان‌ها که سیروسلوک، حکمت و زندگی خاصی دارند، برای نجات کل جهان در برابر آن خطر به پا می‌خیزند.

۴. یک منجی که با حکم الهی باقی نگاه داشته شده است، به نجات نوع بشر می‌آید.

۵. مواجهه منجی و خطر جهانی، مواجهه تمام خوبی‌ها و تمام بدی‌هاست.

۶. در این مواجهه از نیروهای مافوق طبیعی استفاده می‌شود.

۷. عاقبت خوبی بر بدی پیروز می‌شود.

این هفت ویژگی که زیربنای کلی داستان هری پاتر را شکل می‌دهد، انگاره‌ها و گزاره‌هایی کاملاً آخرالزمانی‌اند. هری پاتر کسی است که توسط نیروی مافوق انسانی (خدا)، باقی نگاه داشته شده و زنده و محفوظ مانده است. توانایی و قدرت اعجاب‌آور او خداداد است و ربطی به آموزش و فراگیری و ریاضت ندارد. او نظر کرده و مؤید است.

هری پاتر یادآور کهن الگوی چیرگی کودک معصوم، بر طاغوت جبار است (موسی در آب، عیسی در گهواره، داوود نوجوان در برابر جالوت، انتخاب شموئیل نوجوان برای رهبری

ادعا دارم که هری پاتر نادانسته، به بزرگ‌ترین مسئله و نیاز روز جهانی پاسخ داه و ناخودآگاه، با روح زمانه همسو و هم‌نوا شده و این توفیق عظیم، حاصل این هم‌نوایی و هم‌صدایی است.

به نظر من، هری پاتر یک داستان آخرالزمانی یا آپوکالیپس است (هر چند که عناصر جذابیت‌های عوامانه هم به آن افزوده شده است). داستان‌های مکاشفه یا آخرالزمانی، داستان‌هایی هستند که درباره پایان جهان و به سرانجام رسیدن تاریخ صحبت می‌کنند.

اعتقاد به آخرالزمان، یک کهن الگو و باور مشترک و دیرینه بشری است. انسان‌ها فارغ از دین و آیین و نژاد خویش در طول تاریخ، بر این باور بوده‌اند که عمر جهان روزی به پایان خواهد رسید. براساس این باور، مسیر کلی اتفاقات تاریخ، به یک نقطه پایان می‌انجامد و آن‌جا تکلیف همه مسائل روشن خواهد شد. در طول تاریخ و در فرهنگ‌های مختلف، داستان‌های آخرالزمانی گوناگونی نگاشته شده که مشهورترین و

● **به نظر من، هری پاتر یک داستان آخرالزمانی یا آپوکالیپس است (هر چند که عناصر جذابیت‌های عوامانه هم به آن افزوده شده است).**
داستان‌های مکاشفه یا آخرالزمانی، داستان‌هایی هستند که درباره پایان جهان و به سرانجام رسیدن تاریخ صحبت می‌کنند.

نام «هرمجدون» و در کتب ملاحم و الفتن اسلامی با نام «قرقیسیا» می‌شناسیم.

از این مختصر که عرض شد و با دلایل جزئی، اما فراوان دیگر، ارتباط هری پاتر با داستان‌های آخرالزمانی آشکار می‌شود. اما مگر داستان‌های آخرالزمانی، مهم‌ترین مسئله و نیاز دنیای امروز است؟ شاید برخی بپندارند که در دنیای مادی و عقلانی امروز، بحث آخرالزمان، بحثی فراموش شده و متروک است، اما حقیقت کاملاً برعکس است.

اندیشیدن به آخرالزمان، مهم‌ترین دغدغه بشر، در دو دهه اخیر بوده است. نوستراداموس، با اشاره صریح به نام ایران، سال ۱۹۸۹ را سال غلبه «محور شرارت» و تصرف جهان توسط ایرانیان و آغاز جنگ‌های «پایان تاریخ» ذکر کرده بود. وقتی این سال گذشت، همه توجه‌ها به روز ۱۹۹۶/۶/۶ معطوف شد؛ چرا که عدد ۶۶۶ را آشکار می‌کرد که مکاشفات یوحنا، از آن به عنوان عدد تعیین‌کننده «جنگ پایانی» نام برده بود. هم‌زمان با افزایش احساسات و نگرانی‌های جهانی، عده‌ای چشم به راه سال ۱۹۹۸ ماندند که حاصل جمع سه عدد

● هری پاتر، دانسته یا

نادانسته، قصه مقابله نهایی

خیر و شر است؛ همان نبردی که

در ادبیات مسیحی، با نام

«آرماگدون» و در ادبیات یهودی

به نام «هرمجدون» و در کتب

ملاحم و الفتن اسلامی با نام

«قرقیسیا» می‌شناسیم.

بنی اسرائیل). ولدمورت هم اهریمن یا چهره منفی فرازمانی است که از کهن الگوی دجال یا آنتی کریست، الهام گرفته شده است.

در طول داستان، درمی‌یابیم که او در دوره‌های گذشته، با اسامی دیگری ظهور کرده است. او فردی غیراخلاقی، شقی و نژادپرست است. وی خون را مایه برتری می‌داند و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی را هجو می‌کند و معتقد است بیش‌تر مردم دنیا که خلقت و خون اصیل ندارند، لایق مرگ‌اند. نشان روی پیشانی هری پاتر، اقتباسی صریح از آن جمله کتاب مکاشفات یوحنا (۱۸-۱۵:۱۳) است که دجال نشانه‌هایی روی پیشانی دشمنان باقی می‌گذارد.

کهن الگوی مادر مهربان و فداکار، در داستان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. مادر هری یک نوایمان تلقی می‌شود که با همه وجود، به خوبی‌ها سر سپرده و جان خویش را ایثار کرده است. روح او یاریگر هری و عشق او گره‌گشای هری در دشواری‌هاست. در این داستان، خانواده و اخلاق، به خوبی تکریم می‌شوند و جادوگران، سالکانی هستند که گرچه ظاهری رندانه و ملامتی‌وار دارند، در باطن افرادی کاملاً اخلاقی و انسان‌دوست هستند.

آن‌ها در زندگی ظاهری، چیزی از عوالم باطنی خود را بر نامحرم‌ان آشکار نمی‌کنند و در کسوت افراد فرودست جامعه، بدون آزار دیگران و استفاده از توانایی‌های خود، به زندگی عادی مشغول‌اند؛ گرچه در عالم معنا جایگاهی فراتر از عوام و اهل غفلت دارند.

هری پاتر، دانسته یا نادانسته، قصه مقابله نهایی خیر و شر است؛ همان نبردی که در ادبیات مسیحی، با نام «آرماگدون» و در ادبیات یهودی به

سیدحسنى و ديگر چهره‌هاى آخرالزمان براساس متون يهودى، مسيحي و اسلامى در ميان چهره‌هاى سياسى جهان پرداختند. ده‌ها فيلم آخرالزمانى در اين سال‌ها ساخته شد؛ خواه آخرالزمانى‌هاى دينى و خواه آخرالزمانى‌هاى طبيعى، تکنولوژيک، علمى - تخيلى و اسطوره‌اى که پايان جهان را ناشى از حمله موجودات فضايى، مشکلات محيط‌زيستى و يا نافرمانى صنايع بشرى مى‌دانند.

فيلم‌هاىي مثل ماتريكس، ترميناتور، ارباب حلقه‌ها، موميائى، بازگشت موميائى، عقرب‌شاه، بيگانه، روز استقلال، گودزيلا، عنصر پنجم، جنگ ستارگان، پايان روزگار، برخورد عميق، قله دانته و... جهان امروز، شاهد انسجام و قدرت يافتن يهوديائى است که چشم به‌راه ظهور مسيح‌اند. همين‌طور مسيحيان راست‌گرايى که بازگشت مسيح را انتظار مى‌کشند و مسلمانانى که موعود آل محمد را به انتظار نشسته‌اند و زردشتيان و هندوانى که بنا بر باورهاي خويش، زمانه را با آن چه درباره آخرالزمان شنيده‌اند، هماهنگ مى‌يابند.

در آمريکا اقبال شديد به امور مذهبي مشاهده مى‌شود. جورج بوش پسر که مردى لائىک بود، بنا بر ادعاى خودش در يکى از صبح‌هاى سال ۱۹۹۵، شاهد حلول روح‌القدس در خود بوده و ايمانش را تجديد کرده است.^(۱) او به جريان راست‌گرايان افراطى مسيحي و يهوديان اصولگراى صهيونيست مى‌پيوندد و از حمايت پروتستان‌هاى بنيادگرا بهره‌مند مى‌شود. وى بنا بر باورهاي دينى و باور عميق به فرارسيدن آخرالزمان، عبارت‌هاى «عدالت‌بى‌پايان» و «جنگ صليبي دوم» را به کار برده و اولين رئيس

۶۶۶ بود و پس از آن چشم به راه ۱۹۹۹ ماندند که ۹۹۹ آن معکوس بود. يک نظرسنجى که در سال ۱۹۹۸، در مجله تايمز به چاپ رسيد، نشان داد که ۵۱ درصد مردم آمريکا اعتقاد دارند که آخرالزمان فرا رسيده است.

هم‌زمان با نزديک شدن سال ۲۰۰۰، هزاره‌گرايان (millennialists) سمينارها و همائش‌هاى متعددى برپا کردند. سندرم ۲۰۰۰ فراگير شد و جامعه‌شناسان، از ظهور جنون‌هزاره‌اى خبر دادند. نقل مکان به مکان‌هاى خاص، خودکشى‌هاى دسته‌جمعى، ظهور ده‌ها مسيح و مهدي ساختگى، در اين سال گزارش شد. مکاتب انتظار (messianism)، در ميان مسيحيان، اقبال و اشاعه يافتند. کارشناسان و کهن‌پژوهان، به جست‌وجوى دجال و سفيايى و

● مسئله آخرالزمان، هر چند که

در رسانه‌ها و گزارش‌هاى

رسمى کمتر نمود داشته،

مسئله اصلى دنياى امروز، به

ويژه غرب و به‌طور خاص

آمريکا است. براى همين، هري

پاتر که در انگليس، تنها از

سوى خوانندگان و مجلات

عامه‌پسند مورد توجه قرار

گرفته است، در آمريکا مورد

توجه شديد منتقدان صاحب‌نام

و جشنواره‌هاى دينى و

اجتماعى قرار مى‌گيرد.

بی‌بضاعت، کمک‌های ناچیز دریافت می‌کرده و بیش‌تر عمر را به سکونت‌های کوتاه‌مدت در شهرهای مختلف و مناطق دورافتاده پرداخته است. هم‌چنین، از حمایت خانواده محروم بوده، در تحصیلات و کسب درآمد، همواره با شکست روبه‌رو شده و تحت فشار فقر و فشارهای روحی و اجتماعی و به برکت این ریاضت‌ها، انزوا و خلوت فردی خویش، به مکاشفات و الهامات دست یافته است. برای همین، منفصل از دنیای رسمی ادبیات، نشریات و ناشران، در گوشه یک خیابان مستضعف‌نشین، در حالی که کالسکه دختر گرسنه‌اش را - که نام پدری در شناسنامه او ثبت نشده - در کنار خود دارد، بزرگ‌ترین داستان زمانه را خلق کرده است؛ داستانی که نه با قواعد فانتزی می‌خواند و نه با رئالیسم جادویی یا سورئالیسم. داستانی که به تمام معنا یک حماسه است؛ حماسه‌ای برای انسان امروز که قلبش به او گواهی می‌دهد که نبرد نهایی خوبی و بدی نزدیک است و انسانی که با همه وجود، مشتاق پیروزی نیکی‌ها برزشتی‌هاست.

پی‌نوشت

۱. وجود مدعیان دروغین، آخرالزمانی بودن، مهدویت و... همه به باور و وجود اعتقادی جمعی به روز رهایی جهانی نظر دارد. چرا که براساس یک چارچوب نظری، اقبال‌ها ناشی از باورهای عمومی است و بریستر و زمینه‌ناپاوری و بی‌اعتقادی، حتی مدعیان دروغین ظهور نمی‌کنند. مولوی نیز در حکایتی می‌فرماید تا اصل و حقیقتی وجود نداشته باشد، نمونه کاذب و تقلبی بروز نمی‌یابد.

جمهور بنیادگرا، از میان راستگرایان افراطی مسیحی است.

مسئله آخرالزمان، هر چند که در رسانه‌ها و گزارش‌های رسمی کم‌تر نمود داشته، مسئله اصلی دنیای امروز، به ویژه غرب و به‌طور خاص آمریکاست. برای همین، هری پاتر که در انگلیس، تنها از سوی خوانندگان و مجلات عامه‌پسند مورد توجه قرار گرفته است، در آمریکا مورد توجه شدید منتقدان صاحب‌نام و جشنواره‌های دینی و اجتماعی قرار می‌گیرد و محل تفاسیر مختلف، از سویه‌ها و رویه‌های گوناگون واقع می‌شود و ده‌ها سایت اختصاصی هری پاتر ویژه‌نخبگان و اندیشمندان ایجاد می‌شود. این که فرق مختلف مسیحی و کلیساهای مختلف، گاهی این کتاب را تحریم کرده‌اند و گروه‌هایی مثل برخی کلیساهای پروتستان آمریکایی، در مقابل کلیسای انگلیکان، به دفاع از این کتاب پرداخته‌اند، نشان دهنده ارتباط پنهان، اما عمیق کتاب با باورهای دینی است.

حال، با این پرسش رو به روییم که خانم رولینگ، چگونه توانسته در سال‌های پایانی قرن، این دغدغه مشترک جهانی را در کسوت ادبیات و با بیانی غیرمستقیم، اما جذاب، مطرح کند و کتابش این چنین در شرق و غرب عالم فراگیر شود؟ بی‌شک، این توانایی حاصل برنامه‌ریزی و تعقل نبوده، بلکه ناشی از نوعی سلوک فردی در ریاضت‌های خاص روانی نویسنده بوده است. رولینگ فردی کاملاً فقیر و تحت فشار بوده است. او از انجمن‌های کمک به افراد بی‌خانمان و